ادامه از صفحه ۱۲

مخاطب برایم مهم است

مـن الان بـالای هانیبال الخاص ایسـتاده‌ام؟ ایشان که در حال حاضر فوت کرده‌اند، اما کسانی که چنین استنباطی دارند که حالا من می‌خواهم عباس کیارستمی را نردبان کنم که بالا بروم مگر در نمایشگاه قبلی، من ۳۰ تا از پیراهن‌های هنرمندان را چیدمـان نکردم؟ خوب چـه اتفاقی افتاد؟ فقط خـودم لذت بـردم. عباس کیارسـتمی برای من به هیچ عنوان پله نیسـت. به همان اندازه که من این آدم را دوسـت دارم، امکان دارد به سـینمای او انتقاداتی داشـته باشم؛ زیرا سینمای رئالیستی را دوسـت ندارم، اما به همان اندازه خیلی کارهای مفهومی او را دوست دارم زیرا با سینمای او تفاوت دارد و یک آدم کاملا متفاوت است.

مهم‌ترین چیز این است که عباس کیارستمی هنرمندی است که به شدت دنبال موضوع می‌گردد تا موضوعات بکر و ناب پیدا کند؛ چه در حوزه کانسپتچوال آرت چه در حوزه سینما. اما جایی یک مساله مثل لامپی برای من روشن شد. اینکه او خودش بـه خودش فکر نمی‌کند. خودش موضوع اسـت و کسی هم این کار را انجام نداده، البته شنیدم آقای فرمان‌آرا فیلمی ساخته‌اند به‌عنوان «من از عباس کیارستمی متنفرم». اما کسـی این فیلم را ندیده من برای اولین‌بار به آدمی پرداخته‌ام که به آدم‌ها می‌پردازد.

هیچ‌کس در حوزه مفهومی به کیارسـتمی نپرداخته است. خودش به‌عنوان فاعل شناسا، دیگران را در قالب ابژه نگاه و تحلیل می‌کرد. در موردش مسـتند ساخته شد، اما من مستندساز نیستم.

■ الان قرار گرفتـن این چیدمان لیوان‌های روی آب کنار ویدیو، چه چیزی را می‌خواهد نشان دهد؟

امیرحاجبی: شـاید از لحاظ منطقی هیچ رابطه‌ای با هم نداشته باشند و من هم سعی نمی‌کنم با صحبت کردن یا در کنـار هم قرار دادن عناصر خاصی کاری کنم که ویدیو به چیدمانم ربط داشته باشد. این ویدیو اینستالیشن نیست، این ویدیو آرت و اینستالیشـن اسـت و این دو با هم فرق دارند. داسـتان از اینجا شروع شـد که من از روی فامیلی آقای کیارستمی فکر کردم اهل میگون هستند و این ایده در سر من بود و فکر می‌کردم چه کانسپتی داشته باشم. از جایی که این آدم به دنیا آمده...

دیدم بهترین کار با توجه به اینکه کوهنوردی می‌کنم این است که مجموعه‌ای از آب‌های زیرزمینی‌ای را که در یکی از مناطق خوش آب و هوای میگون وجود دارد بیاورم و بچینم. من همه چیز را برای مخاطب آماده کردم که بیاید به جای آب لوله‌کشی تهران آبی را بخورد که من از دوهزار متر بالای سطح دریا تهیه کردم. حالت اینتراکتیو هم وجود داشته باشد و مردم هم با این چیدمان در ارتباط باشند.

■ گویـا این پیش‌بینی‌ناپذیر بـودن و مبهوت کردن مخاطب از ویژگی‌های کار شما دو نفر است... .

آیدین: هنرمند در وهلـه اول - مخصوصا هنرمندی که درگیر مسایل اجتماعی است - سعی می‌کند هرکس را در جایگاه خودش نشان دهد و تعادلی بین اجتماع برقرار کند. من دوست دارم در کاری که ارایه می‌کنم - اگر اسمش را هنر بگذارید - مثل یک آشپز عمل کنم: اینکه اجزا را کنار هم قرار دهم و همیشه برای مخاطب حرف جدیدی داشته باشم. مخاطب برایم مهم است.

حالا این را که چقدر موفق بوده‌ام مخاطب باید بگوید یا کسانی که کار من را دنبال و نقد می‌کنند؛ اینکه کار جدیدم در عین تفاوت با کارهای قبلی وجه اشتراکش حفظ شده.

امیرحاجبـی: در مورد نگاه به مخاطب من با نظر آیدین مخالفم، یعنی اصلا نگران مخاطب نیستم که خوشش بیاید یا نه. اصلا برای من مهم نیست مخاطب در روزمرگی‌های خـودش گیر کرده و من اصلا به فکرش نیسـتم؛ به علت اینکه مخاطب هم به فکر من نیست.

آیدیـن: این همان تفاوت اسـت. کارهای من تحت‌تاثیر اجتماع شکل می‌گیرد اما کار علیرضا پاپ آرت است.

من با توده (Mas) مشکل دارم. مخاطب‌های من باید به رسانه من وابسته باشند.

■ ولـی داریـد غلو می‌کنیـد. چون گفتیـد کارتان اینتراکتیواست... .

مهم است، اما نگرانی ندارم. بعضی‌ها از وقتی کارشان را شروع می‌کنند دایم به مخاطب فکر می‌کنند یعنی مخاطب نقش سانسـورچی را بازی می‌کند. به فکر این هستند که مردم خوش‌شان می‌آید یا نه.

آیدین: فرق می‌کند بین آرتیستی که برای بازار و فروش کار می‌کند تا هنرمندی چون امیرحاجبی که اینقدر زحمت کشیده و آب را از «میگون» آورده، ویدیو ساخته است.

امیرحاجبی: من مخاطب را یک درجه پایین‌تر از رسانه می‌دانم... .

■ رسانه هنری؟

نه رسـانه به مفهوم عام، اعم از مطبوعات، خبرگزاری، تلویزیون و... این برای من در هنر یک پایه بالاتر است زیرا واسط امر هنری و توده مردم هستند، اینها برای من مهم‌تر هستند تا اینکه مردم ببینند تعریف و تمجید کنند. اصلا مردم نبینند! مگر چه اتفاقی در اینستالیشن می‌افتد؟ نگرانی مخاطب ندارم. مخاطبی که رسانه را پیدا کند و متوجه شود رسـانه چه می‌گوید و اطلاع‌رسانی را متوجه شود، می‌آید. من دوست دارم مخاطبم از فیلتر رسانه‌ام بیرون بیاید.

خبر آخر

فتحی جایزه خود را به کودکان سومالی داد

■ **مهر:** حسن فتحی با حضور در دفتر یونسیف در تهران جایزه ۱۰میلیون تومانی جشنواره جام‌جم را به کودکان سومالی تقدیم کرد و گفت: «وضعیتی که در سـومالی به وجود آمده، یک فاجعه انسانی اسـت.» فتحی سال گذشته قصد داشت فیلمی با نـام «دزدان دریایی خلیج عدن» در مورد کودکان سومالی بسازد که منتفی شد.

۹ نفر از سینماگران در نامه به وزیر ارشاد از «خانه سینما» گفتند

این خانه مأمن اهالی سینماست

«یا حافظ یا رافع»
ماهی این آب گل‌آلود کجاست؟
عقل و عقلا که حیرانند.
قانون و قانونداناں هم که تایید نمی‌کنند.
مصلحت این ایام سخت هم که اقتضا نمی‌کند.
با شأن و فرهنگ هم که تناسبی ندارد.

پس چـرا این فرمـان چندخطی «انحـلال»، چنین آشوبی به‌پا کرده است؟

عزیزان! ما یقین کردیم که این میل مرموز، قصدی جز بالا بردن هزینه برای نظام اسلامی ندارد.

این آب گل‌آلود شده، حاصل طراحی مهندسانی است که با وعده ریل‌گذاری سینمای آرمانی، ریل قطارِ شتابانِ سینما را بی‌هراس از واژگونی برمی‌چینند.

آیا سـه سـال سـکانداری سـینما نتیجه‌اش چنین افتخاری اسـت که مقام محترم وزارت فرهنگ در مقابل دیـدگان مردم، با لحنی امنیتی خبر از کشـف و ضبط و توقیف خانه‌ای بدهد که دو دهه مامن اهالی سـینما بوده است؟

آیا در این مدت بقیه ارکان نظام خواب بوده‌اند؟

آقـای وزیر! اینجا عرصـه فرهنگ اسـت و این خانه چندروزی میزبان شماست.

سـخن ما نه خانه سینماسـت و نه عملکـرد آن، که هر چه هسـت از همه ماسـت؛ ولی اگـر ذره‌ای انصاف و معرفت باشد، می‌داند که غالب این سینمای نجیب، مولود فرزندان نهضتی اسـت که در پاسـداری آن جان و مال و آبرو گذاشـته‌اند و حاضر نیسـتند تن بـه اراده فراقانونی بدهند که هدفش سرکوب استقلال و حریت کسانی است که خود را ملتزم به ارزش‌های آرمانی نظام و قانون اساسی می‌دانند. باشـد که بزرگان و دلسـوزان کشـور بشنوند و چاره‌ای بیندیشند.

فتوکل علی‌الله/ هفدهم دی ماه یک‌هزار و سیصد و نود مجیـد مجیـدی، منوچهر محمـدی، کمـال تبریزی، محمدرضا هنرمند، ابراهیم حاتمی‌کیا، مجتبی راعی، حسن برزیده، سیدرضا میرکریمی و احمدرضا درویش.

درویش: سیاسی‌ترین رفتار با «خانه سینما» شد

با انحـلال خانه سـینما موضع‌گیری سـینماگران سرشناس آغاز شد و آنان نگاهی متفاوت به مقوله سینما را مطـرح کرده‌اند. کمال تبریزی در نامه‌ای سرگشـاده، میرکریمی در یادداشـتی و احمدرضا درویش در برنامه «هفت» به این مسـاله واکنش نشان دادند. در این میان احمد توکلی با صراحت از سیاسـی بـودن این انحلال گفته اسـت. دو نفر از خانه سینما با اعضای کمیسیون فرهنگی در هفته پیش دیدار داشته‌اند و در حال حاضر هیات مدیره خانه سینما منتظر رای دیوان عدالت اداری هستند. در این میان وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی با اشاره به سابقه فعالیت انتخاباتی برخی از اعضای هیات‌مدیره در سال ۸۸ تاکید کرد که کار تمام است.

برخورد سلیقه‌ای با «خانه سینما»

بحث انحلال خانه سینما قرار بود در برنامه سینمایی «هفـت» مورد توجـه قرار نگیرد، امـا حضور احمدرضا درویش روی خط مسـیر این برنامه را تغییر داد و حتی سـبب حضور شـمقدری - معاون سـینمایی- و وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی شد. احمدرضا درویش که برای فیلم «سرزمین خورشـید» جایزه گرفته بود و آن را به خانواده شـهید جهان‌آرا تقدیم کرده بود پشت خط آمد و ترجیح داد درباره مساله روز سینمای ایران که انحلال خانه سینماسـت و برنامه هفت که بنا به ملاحظاتی به این مساله نپرداخته بود، صحبت کند. به گزارش مهر وی گفت: «من از آقای ضرغامی تقاضا دارم به‌عنوان یک فرد مسوول عدالت را رعایت کند و رویکرد سازمان به مساله خانه سینما یکطرفه نباشد. به دلیل مسوولیت‌هایی که قبلا در خانه سینما داشتم این را می‌گویم که ادعاهایی که سیدمحمد حسینی وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی در برنامه گفت‌وگوی ویژه خبری درباره خانه سـینما اعلام کردند بـه کلی فاقد وجاهت قانونی اسـت.»وی چنین گفت: «بنده به دلیل سـوابقم در خانه سینما اشراف به اساسـنامه آن دارم. من شـهادت می‌دهم حذف «به نام خدا» از اساسـنامه کذب اسـت و حذف التزام به قانون اساسی، شعایر دینی و مبانی فرهنگی و قوانین مطروحه را تکذیب می‌کنم. دولت با هدف سـازندگی وارد عرصه شده است. تازیانه زدن بر سینماگرها اهانت بزرگی است. چگونه دلسوزی برای سینمای ایران را اعلام می‌کنند، در حالی که سـینمای ایران را که برخاسته از انقلاب است به مسـلخ می‌بریم و به حراج می‌گذاریم.»درویش ادامه داد: «رویکردی که امروز نسـبت بـه هنرمندان گرفته شده اسـت با تازیانه زدن بر پیکر هنرمندان هیچ فرقی ندارد. با این رفتارها ما به این سینما ضربه وارد می‌کنیم. با این برخوردها متاسـفانه خود را تابلوی تمام‌عیار همه جریان‌های معانـد کرده‌ایم. با رفتار ناشـیانه‌ای که این دوسـتان در پیش گرفته‌اند، داریم آب به آسیاب دشمن می‌ریزیم. ما از حکومت، دولت و رییس‌جمهوری محترم که مسـوولیت شـورای‌عالی سـینما را بر عهـده دارند تقاضا داریم که با این مسـایل برخورد کنند. مگر امکان دارد که ۲۹ صنف سـینمایی و تعـداد زیادی عضو را با ۲۰ سال سـابقه فعالیت به این راحتی منحل کرد. این دوسـتان با شعار نوکری برای ملت وارد سینما شدند اما به نظر می‌رسد مساله چیز دیگری است و عرصه فرهنگ عرصه یکه‌تازی برای این افراد شده است. در صورتی که عرصه فرهنگ عرصه گفت‌وگو است. بنابراین منافع ملی سـینما نباید قربانی برخوردهای سلیقه‌ای شود.»پس از این جواد شـمقدری هم پشت خط آمد و افزود: «من به آقای درویش توصیه می‌کنم که به این سـرعت قضاوت نکنند. اینکه یک شـبکه خارجی امشـب وزیر ارشاد را زشت‌ترین شخصیت هفته معرفی کرده است جای بحث دارد. حتما این شبکه‌ها از جایی دردشان آمده که این کار را کرده‌اند.»احمدرضا درویش نیز روی خط آمد و گفت: «آقای شمقدری که می‌فرمایند من چند سال درگیر بودم برای سـاخت فیلم «روز رستاخیز»، ما هر جای دنیا که باشیم رابطه‌مان با خانه سینما قطع نمی‌شود»

درویـش در ادامـه به تصمیم انقلابـی و قانونی در گفته‌های شمقدری اشاره کرد و افزود: «من اعتقاد دارم خانه سـینما انقلابی‌ترین نهادی اسـت که در سینمای کشور می‌تواند حیات داشته باشـد، توصیه برادرانه من به شـما آقای شمقدری این اسـت یا گفت‌وگو کنیم یا همان شکایت قبلی را در قوه‌قضاییه دنبال کنید. این‌گونه جو کشـور را و فضای ذهنی نمایندگان محترم ملت را در خانـه ملت ملتهب نکنیم. تصویر و انتظاری که مقام معظم رهبری از سـینمای ایران دارند و آن را سینمای نجیب مطرح کردند، خراب نکنیم. چطور شد که شما به عنوان مدیر اجرایی کشور با سینمای نجیب ایران این‌گونه رفتار می‌کنید و خانه سینما را به رفتارهای سیاسی متهم می‌کنید. من معتقدم شما سیاسی‌ترین رفتار را با خانه سینمامی‌کنید.»

وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی: کار «خانه سینما» به پایان رسیده است

به گـزارش خبرآنلاین، حسـینی بعـد از اظهارات احمدرضا درویش و جواد شمقدری، معاون امور سینمایی در مورد صدور دسـتور انحلال «خانه سینما» روی خط تلفنی برنامه «هفت» حاضر شد و در مورد پیشینه بررسی اساسنامه «خانه سینما» در شورای فرهنگ عمومی گفت: «اساسنامه اولیه «خانه سینما» در شورای فرهنگ عمومی تصویب شد که هیچ‌گاه به این اساسنامه عمل نشده است. بعد از روشن شدن این ماجرا دبیر شورای فرهنگ عمومی به مسوولان «خانه سینما» این تخلف را تذکر داد. ترتیب اثری به این تذکرات داده نشـد. شورای فرهنگ عمومی ۲۸ نفر عضو دارد و چندی قبل جلسـه‌ای تشکیل و در این جلسه روشن شد که «خانه سینما»ی فعلی پایگاهی ندارد.» وزیر ارشـاد با اشـاره به سـخنان درویش گفت: «اینکه در صحبت‌های امشـب مطالبی را به من نسبت دادند زیبنده نبود. من نگفتم «به نام خدا» از اساسـنامه «خانه سینما»، حذف شده؛ التزام به قانون اساسی بخشی است که از این اساسنامه حذف شده است.»

او در مورد اینکه گفته شـد مطبوعـات امکان درج مطالب مربوط به «خانه سـینما» را ندارد، گفت: «اینکه گفته می‌شود اظهارات درباره «خانه سینما» در مطبوعات درج نمی‌شـود، کاملا نادرسـت اسـت. روزنامه شرق و خبرآنلاین و حتی ایرنـا، خبرگزاری دولت اطلاعیه‌ها را منعکس می‌کنند. این بحث از آن جهت مطرح می‌شود که اقدامات رسانه‌های خارجی توجیه شود. تلاش می‌شود وضعیت به‌گونه‌ای جلوه داده شود که گویی در کشور فضا بسته است.»

وزیر ارشاد گفت: «ما طرفدار فعالیت صنفی هستیم و بحث ما قانون‌گرایی است. اینکه دوستان اکنون طرفدار گفت‌وگو شـده‌اند، برای ما جالب است. اوایل دیداری با مسـوولان کنونی «خانه سینما» داشـتیم که به دلیل مواضع سیاسی و ماجرای یوسف‌آباد در سال ۸۸ و حضور برخی در سـتاد سـران فتنه نشـان می‌دهد آنان از اول موضع داشتند و نمی‌خواستند معاونت سینمایی جدید کارش را انجام دهد.»

او با تاکید بر اینکه وزارت ارشـاد براسـاس اختیاری که دارد طی حکمی دسـتور انحلال «خانه سـینما» را صادر کرده اسـت، گفت: «ما مخالف ابتذال در سـینما هستیم. تاسیس شورای‌عالی سینما و سازمان سینمایی برای حمایت از سینماسـت. ما مخالف صنف نیستیم و معتقدیم صنف باید نقش واقعی داشـته باشد. از نظر ما کار «خانه سینما» تمام شـده است و خود دوستان نیز گفتند در مقابل قانون تمکین می‌کنند.» حسینی با اشاره به اینکه امروز کار به محاکم قضایی کشیده شده، گفت: «ما نامه‌ای صادر کردیم و آنها نیز به دیوان عدالت اداری شکایت کرده‌اند. فعالیت صنوف باید قانونمند باشد و هر صنفی باید زیرنظر وزارتخانه موردنظر آن صنف کار کند. در وزارت ارشاد صنوف باید همکار وزارت ارشاد باشند.

نام جناب‌عالی ثبت می‌شود

کمال تبریزی مانند سابقه‌اش در ساختن فیلم‌هایی همراه با طنز از این لحن اسـتفاده کرده اسـت. وی در ابتدای این نامه که در سـایت الف منتشـر شد، نوشته است: «اقدام بسـیار، بسیار شجاعانه و اصرار و پایمردی مجدانـه آن عالی‌جناب مبنی بر بسـتن و انحلال خانه سینما، عملی ستودنی و درخور تحسین است که ما بدان افتخار و مباهات می‌کنیم. این عمل هوشمندانه در آستانه دهه فجر و بزرگ‌ترین رخداد فرهنگی و هنری کشـور که بناسـت نیرو و توان مضاعفی به اهالی نااهل سینما تزریق نماید، حکایت از درایت ذاتی جناب‌عالی دارد. انجام این عمل به‌غایت بهنگام نام جناب‌عالی را در تاریخ و هنر کشور ثبت خواهد کرد. باور و امید داریم که جناب‌عالی به پاره‌ای از شایعات و ترهاتی که این روزها سینماگران برسـرکوی و برزن می‌گویند، توجـه ننماید؛ حرف‌های نخ‌نماشده‌ای مثل اینکه دشمن اصلی سینمای آمریکاست که ارزش ما را نشانه رفته است.»

احمد توکلی: انحلال «خانه سینما» اهداف سیاسی دارد

رییس مرکز پژوهش‌های مجلس با انتقاد از تصمیم وزارت ارشاد مبنی بر انحلال خانه سینما، معتقد است اقدام دولت درباره خانه سینما در آستانه انتخابات اهداف سیاسی را دنبال می‌کند.

احمد توکلی در گفت‌وگو با خبرنگار پارلمانی مهر، در انتقاد به انحلال خانه سینما توسط دولت گفت: «خانه سینما یک جمعیت صنفی است که با جامعه ارتباط عاطفی و قوی دارد و کارگردانانی که افتخار سینمای دینی و انقلابی ما هستند از جمله مجید مجیدی، ابراهیم حاتمی‌کیا، رضا میرکریمی، احمدرضا درویش، مهدی عسگرپور و تهیه‌کنندگانی چون منوچهر محمدی و سایر دوستان جزو این خانه هستند. اینکه وزارت ارشاد پس از سال‌ها فعالیت این خانه به فکر تعیین تکلیف آن افتاده دو دلیل می‌تواند داشته باشد. یک احتمال این است که جریان خاصی که در دولت است و از آن تحت عنوان جریان انحرافی یاد می‌شود ممکن است قصد داشته باشد اقشار مختلف را در آستانه انتخابات دلزده کرده و شرایط مشارکت پایین مردم در انتخابات را فراهم کند.»وی ادامه داد: «احتمال دوم این است که قصد دارند خانه سینما به دست وزیر ارشاد منحل شود و سپس رییس‌جمهور به شکل ناجی وارد صحنه شود و در راستای مقاصد انتخاباتی خود ابقای خانه سینما را اعلام کند. شبیه چنین اتفاقی در بازنشستگی استادان دانشگاه نیز به وجود آمد به‌طوری که وزیر علوم این موضوع را به شدت دنبال می‌کرد اما رییس‌جمهور به شدت جلو آن را گرفت. درباره خانه سینما شاید هر دو هدف مد نظر باشد.»وی خاطرنشان کرد: «جامعه ما به سینما نیازمند است و اکثر سینماگران در خانه سینما جمع هستند. کدام دولت عاقلی چنین تصمیمی می‌گیرد و با قشری که حوایجی از حوایج جامعه را تامین می‌کند این‌طور برخورد می‌کند؟ من در مقام قضاوت و ارزیابی عملکرد خانه سینما نیستم. شاید اگر در این مقام قرار گیرم انتقادات زیادی به آن وارد بدانم اما معتقدم این‌گونه برخورد با خانه سینما در آستانه انتخابات کار غیرمعقول و غیرمتعارفی است.»رییس مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی گفت: «از نظر حقوقی نیز انحلال خانه سینما وجاهت قانونی ندارد زیرا خانه سینما یک شرکت ثبت‌شده است و اجازه فعالیت دارد. برخی شرکت‌ها برای ثبت علاوه بر ارایه اسناد و میزان سرمایه باید از یک نهاد دولتی هم جواز فعالیت داشته باشند. به عنوان مثال اگر فردی قصد دارد شرکتی بزند که هدفش از تاسیس آن شرکت انتشار روزنامه باشد زمانی که بخواهد روزنامه منتشر کند باید از وزارت ارشاد مجوز روزنامه بگیرد. خانه سینما نیز یک موسسه است که در حوزه سینما فعالیت می‌کند و علی‌القاعده باید هنگام ثبت‌جواز از وزارت ارشاد داشته باشد و فعالیت سینمایی کند.»توکلی گفت: «حتی اگر خانه سینما مجوز نداشته و فعالیت کرده، باز هم وزارت ارشاد نمی‌تواند آن را منحل کند چون یک شرکت ثبت شده است و یک شرکت ثبت شده را فقط دادگاه می‌تواند منحل کند. در این صورت وزارت ارشاد می‌تواند به ثبت شرکت‌ها نامه بنویسد که خانه سینما چه مجوزی به شما ارایه کرده که فعالیت می‌کند. به هر حال انحلال خانه سینما موکول به تصمیم دادگاه است نه اراده وزارت ارشاد. هیچ گاه یک دولت عاقل با قشری که نیاز مهم جامعه را تامین می‌کند اینچنین برخورد نمی‌کند.»رییس مرکز پژوهش‌های مجلس تاکید کرد: «دکتر حسینی وزیر ارشاد به من زنگ زد تا موضوع را توضیح دهد که به او گفتم این کار شما مثل انگشت در چشم مردم فرو کردن است و سپس بگویید چرا صدایشان درمی‌آید! البته وزیر ارشاد هم دلایلی داشت و تاکید کرد همه کارهای خانه سینما قابل دفاع و قانونی نیست که گفتم ممکن است چنین باشد اما شما باید از طریق دادگاه عمل می‌کردید چرا شکایتی را که کرده بودید پس گرفتید؟ برخورد دولت باید با همه اقشار قانونی و عاقلانه باشد در حالی که این برخورد با خانه سینما به احتمال قوی قانونی نبوده و اصلا هم عادلانه نیست.»

خانه سینما مرجع حل اختلاف است

محمد نیک‌بین
تهیه‌کننده

ماجرای خانه سینما یک‌سری دعوا و درگیری‌هایی است که میان این نهاد و معاونت سینمایی وزارت ارشاد ایجاد شده اسـت. من قصد ندارم در اینجا وارد چنین بحثی شوم چون مرجع رسـیدگی باید مسایل آن را حل کند اما فکر می‌کنم همه مسایل باید با گفت‌وگو حل شوند. سینما نیاز به اصناف دارد و صنف ما نیازمند به مکانی اسـت که اعضای سینما در آن حضور داشته باشند و بتوانند حالت مستقل خود را حفظ کنند، هرچند مسـتقل بودن دلیل بر این نیست که دولت از سینماگران حمایت نکند بلکه مثل خیلی از کشورهای دیگر دولت می‌تواند ضمن حمایت از سینماگران در تصمیم‌گیری‌ها نفوذ و دخالت نکند و بگذارد اختیار اهالی این صنف باقی بماند. بنابراین سینماگران همیشه نیازمند چنین محفلی هستند که بتوانند اختلاف‌ها و مسـایل خود را در آنجا مطرح کنند. الان هر اتفاقی که میان افراد سینمایی می‌افتد، خانه سینما به‌عنوان میانجی عمل می‌کند و اعضا سعی می‌کنند به دور از اختلاف‌ها به مشکلات پیش آمده رسیدگی کنند، چون افراد ذی‌صلاحی در خانه سـینما هسـتند که با توجه به تجربه و فعالیت‌شان توانایی رسیدگی به مشکلات این حوزه را دارند. خانه سینما همـه دعواها و اختلاف‌ها را به صورت دوسـتانه حل می‌کند در نتیجه این نهاد قابلیت حل مشـکلات میان سینماگران را دارد. ضمـن اینکه مدیران آن هم توسـط انتخابات میان اعضا انتخاب می‌شوند.شـاید بهترین راه این بود که در همان نشست‌ها و جلسات روزهای اول، این اختلاف را حل می‌کردند اما به هر دلیلی حل این مشکل از طریق چنین کانالی انجام نشـد. با این همه، مشکلات حل شدنی هستند و بهترین راه هم می‌تواند گفت‌وگو و مذاکره باشـد. هنوز هم امیدوارم که شاهد حل مشکل از طریق گفت‌وگو باشیم. در مورد پیشنهاد وزیر نیز مبنی بر گردهم آمدن اعضای خانه سینما در سازمان سـینمایی، مساله اصلی این اسـت که هنوز به یک ساختار سازمان سینمایی نرسیده‌ایم. اول باید این ساختار تدوین شود.

دستاوردهای قبلی را تخریب نکنید

سیدرضا میرکریمی
مدیرعامل پیشین خانه سینما

سیدرضا میرکریمی، مدیرعامل پیشین خانه سینما نیز در نامه‌ای نسـبت به این انحلال اعتراض کرده است. وی در این نامه نوشته است: «این تاوانی است که اصناف سینمایی برای حفظ استقلال و «نه» گفتن به پیشنهادهای رنگارنگ جریان مشکوک سیاسی باید بپردازند. این همه شـتاب برای تعطیلی یک نهاد صنفی خوشنام، فراگیر و باسـابقه که از دستاوردهای مهم فرهنگی پس از انقلاب به شمار می‌آید، جای شگفتی دارد. این رفتار در شرایطی که به استقبال جشـنواره فیلم فجر می‌رویم و کشور در آسـتانه انتخاباتی دیگر است، بخشـی از یک سناریوی طراحی‌شده به نظر می‌رسد.» وی در بخشی دیگر از نامه به گزارش خبرآنلاین نوشته است: «جناب وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی هم که در طول سه سال گذشته هیچ جمله نغزی در باب فرهنگ، ارشاد و حتی اسلام از او نشنیده‌ایم، بدون شنیدن حرف‌های سینماگران یک‌طرفه به قضاوت نشست و بدون ارایه حتی یک سند متقن جامعه اصناف سـینمای ایران را متهم به همکاری با بیگانگان کرد. اگر کسی بی‌خبر بود، فکر می‌کرد وزیر اطلاعات است که دارد درباره کشف یک لانه جاسوسی دیگر حرف می‌زند. راستی چرا این روزها ادبیات دولتمردان ما در عرصه‌های گوناگون اینقدر شبیه یکدیگر است. برای من جای شگفتی دارد، شورای فرهنگ عمومی کشور که پسوند عمومی را یدک می‌کشـد و چهره‌های فرهنگی سرشناسـی در آن عضو هستند، چگونه بدون شنیدن حرف‌های طرف دیگر ماجرا که اکثریت سینماگران این کشور هستند این‌گونه قاطع حکم صادر کرده‌اند.» وی در انتها خواسته است: «آقایان مسوول در حوزه فرهنگ که فرصت کمی از حضورتان در مسـند قدرت باقی‌مانده، به خاطر خدا، حالا که بنایی از خودتان به یادگار نمی‌گذارید، لااقل دسـتاوردهای قبلی نظام را تخریب نکنید.»

کلبه کوچک من

حق پدیده‌ها ـ ۱۱۳

اردشیر خرمنکوب

■ مثنـوی مولوی، خلقِ موجودات زنـده عالم را بر سـه وجه تقسیم بسته است: فرشـتگان - حیوانات - انسـان‌ها. و متعمدانـه، جمـادات و گیاهان و جن را، یـا ابلیس را که از صف فرشـتگان خروج کرده و دایـره وسـیعی از قدرت را در اختیـار گرفته، به این تقسـیم‌بندی نیفزوده اسـت. از ایـن روی می‌گویم متعمدانه، که عـارف رومی، در مثنوی خود به کرات از جمـاد و غُل‌غُـل اجزای عالـم و از «نطق خاک و نطق آب و نطق گِل» سخن گفته است. اما در همان تقسیم‌بندی، به انسان که می‌رسد، او را نیم‌فرشته و نیم‌خر می‌داند:

و آن سـوم هست آدمیزاد و بشر / از فرشته نیمی و نیمش ز خر

و البته هوشمندانه می‌افزاید که نیمِ خر آدمی، به سـقوط متمایل است و نیمِ فرشـتگیِ او، به صعود و سرفرازی. این دو را نیز در طول عقل آدمی، به جدال و درگیری می‌افکند: «تا کدامین غالب آید در نبرد.» تقسیم‌بندی انسـان به: نیم‌فرشـته و نیم‌خر، شاید گسـتاخانه‌ترین برملایی دو وجه درونی انسان باشد. مرحـوم شـریعتی از این دو وجه، بـه وجه خدایی و وجه لجنی انسان اسم می‌برد. خر وجهی بشر، شاید از آن روی به مدد آمده که انسان آلوده و سقوط کرده، دسـت همه خلایق را در پلیدی از پشت می‌بندد. و این آلودگی و سـقوط، هیچ ربطی به زیرکی او ندارد. بلکه خریتی است که با کسب آن، از کنار شأن والای خود، می‌گذرد و به گزینش زشتکاری دست می‌برد. «اولئک کالانعام بل هم اضل اولئک هم الغافلون». به اعتقاد من، هر پدیده، به تناسب نقشی که در معادلات هستی دارد، از سهمی به اسم «حق» برخوردار است. و ایـن حق، هرچه به مـدار انتفاع انسـان نزدیک و نزدیک‌تر می‌شود، به همان نسبت مسوولیتی بر شانه انسـان وامی‌نهد. خواه این مسوولیت، بطئی و پنهان باشد و چه سطحی و آشکار. معتقدم جنگل‌های دور آفریقا که به صورت ظاهر در حوزه مستقیم انتفاع ما نیستند، به نسبت حجمی که اکسیژن تولید می‌کنند و بادهایی که این اکسـیژن را از راه دور برای تنفس و بقای ما می‌آورند، بر ما حق دارند. برفی که بر کوه‌های البرز و زاگـرس می‌بارد و بعدها به صورت رود جاری می‌شود، محصول کدام تابش آفتاب، بر کدام اقیانوس و در کجای کره زمین بوده است؟ اینها همه بر ما حق دارند. نبضی که می‌زند، چشمی که می‌بیند، همسر، فرزند، اجتماع، کشور، مردمِ یک کشورِ دور، یک خط شعر خوب، زمین زیر پا، آسمان بالای سر، همه اینها طلبکار ما هسـتند. سهم بدهکاری ما، با این روند، به فربگی و فراوانی زایدالوصفی می‌انجامد. از همین روی اسـت که خداوند، قلم شدن جنگل‌ها و مرکب شدن اقیانوس‌ها را برای نگارش این حق، کافی نمی‌داند. در قرآن، خدای ما، از نعمت‌های فراوانی اسم می‌برد. که ای انسان، آسمان‌ها و خورشید و ماه و ستارگان را برای گل روی تو به‌کار انداختم. ابرها و بادها و دریاها را برای تامین مایحتاج تو به جنـب و جوش آوردم. بر زمین تشنه تو، باران باراندم. از زمین مرده، گیاه و درخت و انواع میوه برآوردم. برای تو، از جنس تو، همسر و فرزند و دوست قرار دادم. از لحظه‌ای که هیچ نبودی، تا روزی که برآمدی و بزرگ شدی، از تو مراقبت کردم. کوه‌ها و حیوانات و بهشت و دوزخ را برای تو آفریدم. پیامبران و خوبان روزگار را برای تو و به‌خاطر رشد تو به زحمت انداختم. و به همین روند، گزیده‌ای از نعمت‌های خود را تعریف می‌کند. همه این واگویی‌ها، دسـت بشـر را می‌گیـرد و در دسـت آن پدیده‌هـا می‌گذارد. که یعنـی این تـو و این مادر و پدر، این تـو و این دریا و خشکی و خوردنی و پوشـیدنی! ببین، هیچ برای تو کم نگذاشـته‌ام. برای تو، هم عدالت خلق کرده‌ام هم سـتم. که به هر کدام که مایلی، دست ببری. برای تو لبخند و اشک آفریده‌ام. تکلم و عقل و عشق آفریده‌ام. در همه این یادآوری‌ها، خداوند ناظر اسـت. و مشتاق اینکه: بشر، در بهره‌مندی از این همه نعمت، به جایگاه بایسته‌اش فرارَود. شاید لذت خداوند، در همین باشد که انسان‌ها را در کمال ببیند. من با اطمینان می‌گویم که خدای متعال، از رنج و عذاب یک‌نفر، بیش و پیش از آن یک‌نفـر، خودش، می‌گدازد و رنج می‌برد. وقتی پیامبر خدا از تماشـای گمراهـی اطرافیانش، به رنج می‌افتد، چرا خدا که خالق انسـان اسـت، از تماشای انسان گم‌کرده راه، متأثر و متأسف نباشد؟ اما قصد من از پیش‌آوری بحث پدیده‌ها و حقی که هر کدام دارند، ارجاع فهم خودم و فهم شـما به حق خداوند اسـت. در قرآن، اشـاره کردم، خدا دست انسان را می‌گیرد و در دسـت تک‌تک نعمت‌ها می‌گذارد. اما در دو جا، با دلگیری از بشر، به حق خود اشاره می‌کند.

ادامه دارد

حاشیه

رحماندوست:

ممیزی‌ها از سر دلسوزی نیست

■ مصطفی رحماندوسـت معتقد است ممیزی‌های اداره کتاب بر آثار کودک و نوجوان بسیار سختگیرانه اعمال می‌شود در حالی که در زمان کنونی و با وجود گسترش فضاهای سایبری، این رویکرد غیرقابل توجیه است. مصطفی رحماندوست، شاعر و نویسنده به ایلنا گفت: «هرازگاهی خبرهایی از عملکرد اداره کتاب به من می‌رسد که نشان از سختگیری‌های بی‌مورد ارشاد در صدور مجوز نشر است. به زعم من این سختگیری‌ها که با توجیه حساسیت کار در حوزه کودک و نوجوان انجام می‌گیرد، موجه نیست.»